

## به دنبال یک گوش!

بارها شده است که به دنبال یک «گوش» گشته ایم!

گوشی که پس از شنیدن حرف های ما به دنبال نصیحت و امر و نهی نباشد! ... گوشی که پس از گفتن ما، برتری جویی ننماید و سرزنشمان نکند! ... گوشی که هیچ نقشی جز گوش بودن ایفا نکند! یک گوش صبور و فقط ... شنونده!

البته کمتر به ذهنمان می رسد که شاید دیگران هم به دنبال یک گوش باشند! ... یک گوش با تمام خصوصیات که یک گوش دارد، نه با خصوصیات یک دهان!

... و کسی که برای نیاز دیگران از لفظ شاید استفاده کند، هیچ گاه قبول نخواهد کرد که گاهی همسر، فرزند یا یک دوست هم گاهی فقط به دنبال یک گوش می گردند! <sup>۱</sup>

حق داریم که گوش بودن برایمان سخت باشد! شاید چون یادمان نداده اند! شاید هم چون تمرین نکرده ایم! ولی به تجربه اش می ارزد! آوقتی که یک همسر، یک مادر، یک دوست یا یک فرزند از ما تشکر می کند! برای آن که خوب به حرفهایش گوش دادیم و او را برای آرام تر شدن و تصمیم نیکوتر گرفتن کمک کردیم! ...

---

<sup>۱</sup> - با نظری بر کتاب مقدمه ای بر روان درمانی، اثر سیدنی بلاچ.

<sup>۲</sup> - البته روشن است که این توصیه برای شنیدن پیرامون امورات جاری و هم فکری و گاه هم دردی با افراد است نه آن که «هر شخصی» «هر آن چه بگوید» بشنویم و مغز و فکرمان را زباله ی شبهات، حرفهای ضد اخلاقی یا پوچ کنیم! حتی در گام بعد ما باید برای همین همراهی و همدلی با افراد محدوده ای در «زمان» و «موضوع» تعیین کنیم.